

## گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام سیدجلال رضوی همدانی، یار دیرین شهید سرلشکر همدانی درباره شخصیت این سردار پرافتخار اسلام

# شهید همدانی، آماج کینه‌های بدر و حنین

### سردار همدانی در فتنه ۸۸ مدام جمرکان می‌رفت و توسل می‌کرد تا جوانان در غبار فتنه راه حق را پیدا کنند، به دیدار مجروحان حامی فتنه می‌رفت و می‌گفت اینها هم مثل فرزندان ما هستند



استیاب او را هم متذکر می‌شد اما می‌گفت هیچ فرقی ندارند و باید همه به این عزیزان مثل فرزندان خود با یک چشم نگاه کنیم. اینها غافل یا جاهل هستند و باید اینها را هوشیار کنیم. این راديوها و ماهواره‌های بیگانه و مزدوران عامل صهیونیست و آمریکا هستند که این نوجوانان و جوانان ما را برای امیال خود به اردو کشی به خیابان کشیدند، لذا ملاحظه این مسائل را داشت.

در بحبوحه درگیری‌های خیابانی ایشان به جمرکان توسل بود و از حضرت حجت تقاضای کمک می‌کرد. از حضرت حجت می‌خواست دل‌ها را معطوف به حقیقت کند و این افکار ناصوابی که از غربی‌ها و صهیونیست‌ها تریق به افراد شده را از بسین برید و بلکه افکار و اندیشه افراد به طرف مثبت تغییر جهت دهد و در مسیر کمال قرار بگیرد.

■ اگر در پایان نکته‌ای را می‌خواهید درباره شهید همدانی اضافه کنید، بفرمایید.

یابد شهید همدانی را از فرماندهان بزرگ افتخارآمیز عصر خویش بدانیم. این اتهاماتی که از جلالان عصر خود علیه این شهیدان می‌شنویم، یاده‌گویی‌هایی است که هیچ تعمیری در شناخت، عشق و علاقه ما به شهدا ایجاد نخواهد کرد.

نسل دهه نودی‌ها، نسل عاشقان مهدی و دلدادگان به شهدا و مقلدان امام‌خانه‌ای هستند. امروز اگر سرود «سلام فرمانده» در جهان طنین‌انداخته شده است، به خاطر آثاری است که مترتب بر خون شهیدان است تا با تحول، دل‌ها را به هم متصل و زمینه پیوند مکتبی به امام عصر(ع) را در یک امت واحده قرآنی رقم بزند. شهید همدانی هم از ساواک و هم از منافقان داخلی و هم از حزب بعث در دوران دفاع مقدس و هم از جنگ با داعش و هم از لطمات فتنه‌گران بی‌نصیب نماند.

طنع بر شهدا بر گرفته از تبهکاری و فساد عقیده در وجود افراد نالایق و مزدوران صهیونیست و آمریکاست. بعضی‌ها در دوران ۴۰ ساله انقلاب ثابت کردند عروسک خیمه‌شببازی استکبار و صهیونیست هستند. شهدا طینتی پاک، محبوب و معطر به عطر حضور حضرت یار را به یادگار دارند. طینت فتنه‌گران همواره دروغ‌پردازی، شایعه‌پراکنی و دفاع از ناحق در برابر خورشید حقیقت است.

فتنه‌گران، هممیانان طاغوت، کفر، شرک و اباطیل زمان هستند. امروز در سراسر ایران اسلامی عاشقان شهیدان به عشق همدوشی، همراهی و هم‌صفتی با شهیدان تا آخرین قطره خون برای دفاع از حقوق حقه مردم ایران اسلامی آماده‌اند تا فرمانده بزرگ سپاه اسلام، ولی فقیه، نایب امام زمان به ایشان مأموریت بدهند. مردم دارالمجاهدین همدان این شخصیتی را که مانند قله الوند باصلابت، ایمان و عشق به خدا سالیان سال با این مردم زندگی کرد، فراموش نخواهند کرد.

کارهای بزرگی کرد و به عشق حضرت زینب(س) شب و روز در بیابان‌های سوره در درگیری با داعش و دشمنان قسم‌خورده اهل بیت(ع) جنگید. ایشان می‌گفت دستور دادم برای افراد کم‌سن و سالی که اسیر می‌شوند، کلاس‌های عقیدتی برگزار شود که شست‌وشوی مغزی آنها از افکار پلید از بین برود و توبه کنند، چون آنها هم خانواده دارند و سن و سالی ندارند و ما از این جهت تکلیف داریم. ایشان انسانی بسیار دلسوز و مهربان بود و در عین حال در هدفش با کسی شوخی نداشت. خط قرمز شهید همدانی نظام مقدس جمهوری اسلامی بود.

ایشان یک انسان برجسته در تنور مبارزات دفاع مقدس بود، یک فرمانده عالی‌رتبه بود و تمام تجارب خود را در سوره به کار گرفت و اجازه نداد سوره سقوط کند. این شخصیت بزرگ می‌گفت هدف داعش ایران اسلامی است و دشمن را باید از مرکزیت ام‌القرای جهان اسلام دور کرد و برنامه‌ها و ایده‌ها و طرح‌هایی در این زمینه ارائه داد و به آنها عمل کرد و سربلند، پیروز و موفق شد.

■ جناب حجت‌الاسلام رضوی! در بعضی از خاطرات دوستان و اطرافیان شهید همدانی خوانده‌ام که ایشان شهادت خودش را پیش‌بینی کرده بود، آیا شما در این باره خاطرهای دارید؟

بله، روزی که آیت‌الله موسوی همدانی، امام جمعه فقید را به خاک می‌سپردیم، ایشان گفت من در اینجا بین شهدا و ایشان دفن خواهم شد. چندین عزیز این را شنیدند، بعد از ۱۰ سال این پیش‌بینی شهید تحقق پیدا کرد و همان مکانی را که خودش اشاره کرده بود، لاجرم در همان مکان آرام گرفت. تشییع جنازه باشکوه شهید همدانی که حضور چشمگیر مردم استان را در پشت جنازه ایشان به نمایش گذاشت، یک صف‌آرایی در مقابل فتنه‌گران بود.

■ ممنون می‌شوم توضیح بیشتری از نقش آفرینی سردار همدانی در سال ۸۸ در برابر فتنه‌گران بفرمایید.

شهید همدانی در مبارزه با فتنه فتنه‌گران به خاطر حفظ جان مردم، از جان خود گذشت. فتنه‌گران به تکایا و مساجد رحم نکردند، فتنه‌گران به عزاداران حسینی رحم نکردند، فتنه‌گران به مردم کوجه و بازار رحم نکردند. شهید همدانی با همه سعی و تلاشی که کوشید هر چه هزینه‌های مالی و جانی کمتر پیش بیاید و از این جهت نیروها را آموزش داد تا نیروهای آموزش‌دیده لطمات و صدمات را به جان بخرند تا به مردم بیت‌المال اضرائی وارد نشود.

روحیه شهید همدانی این بود؛ وقتی وارد بیمارستان می‌شد تا از مجروحان حادثه دلجویی کند، به او می‌گفتند آقا یکی از افراد جنبش سبز هم مجروح شده و در این بیمارستان بستری است، به دیدار او هم می‌رفت، احوال او را هم می‌پرسید و

نظرش کار می‌کردند برخوردار از معنویت و نورانیت بودند. اگر بخوایم نمونه‌ای برای حاج‌قاسم سلیمانی مثال بزنیم تنها آن نمونه و بدیل شخص شهید همدانی است. شهید همدانی با دعا و تضرع به پیشگاه خداوند خود را در سیر و سلوک قرار داده بود و اکثر ادعیه را می‌خواند و زمزمه می‌کرد. شخصیت‌های معنوی را دوست می‌داشت و با ایشان ارتباط داشت. اکثر فرماندهان لشکر که تحت نظر ایشان بودند، افرادی نمونه و مثال‌زدنی و در معنویت و سلوک الی‌الله بی‌نظیر بودند.

شهید همدانی به کارهای فرهنگی اعتقاد داشت و می‌گفت اطمینان داشته باشید اگر کارهای فرهنگی را به نحو احسن انجام دهیم، انقلاب را بیمه کرده‌ایم. هر وقت به ایشان می‌گفتیم اگر شما باز نشسته شوید چه کار می‌کنید؟ می‌گفت به یک مسجد می‌روم و کارهای فرهنگی می‌کنم؛ این یک تکلیف است.

روزی از عمر شهید همدانی نبود، مگر اینکه حلقه‌ای از یاران خداجو دورش جمع شوند و ایشان با طرح ایده‌های خود آنها را به خدمت‌رسانی به مردم ترغیب نکند.

باید عرض کنم ایشان هم با حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی ارتباط صمیمی داشت و گاهی که از سوره نوری می‌گفت، ملاقاتی شخصاً با حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی داشتند و مسائل را در میان می‌گذاشت و هم با شهید آیت‌الله مدنی در دوران مبارزاتی و هم با آیت‌الله فاضلیان، عمده معنویت‌ی که در ایشان شکل گرفته بود، از شهید مجرب آیت‌الله مدنی و آیت‌الله فاضلیان بود.

■ لطفاً برای ما از نقش سردار همدانی در سوره به بفرمایید.

شهید همدانی وقتی به سوره رفت، تشکیلات بسیجی، نیروهای الجیش‌الوطنی را در آنجا سر و سامان داد. در سوره

حیب سپاه، لقبی بود که بر سردار همدانی داده بودند؛ مبارزی که مویش را در جبهه‌های خاکی جهاد، سفید کرده بود. شرح مجاهدت‌ها و مبارزات شهید همدانی چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود اما در این برهه‌ای که برخی جامانده‌ها از قطار انقلاب راهی جز سنگ انداختن به آن پیدا نکرده‌اند و عقده دل‌شان را با ناسزاگویی باز کرده‌اند، زینده است دوباره به بازخوانی زندگی چهره‌های بنشینیم که حیب دوستان و مغضوب دشمنان بود و هست. به همین منظور گفت‌وگویی داشتیم با حجت‌الاسلام سیدجلال رضوی همدانی از یاران و رفقای دیرین شهید همدانی.

جمله اعضای برجسته شورای فرماندهی سپاه همدان در اوایل شکل‌گیری سپاه محسوب می‌شد. ایشان مدتی به کردستان رفت و در کردستان هم با تشکیل سپاه و فرماندهی ایشان در آن منطقه، موفقیت‌هایی برای انقلاب رقم خورد و در حمایت از مردم در برابر حزب کومله ایستاد. شهید همدانی بنیانگذار لشکر انصارالحسین همدان بود و من هم از همان اوایل شکل‌گیری این تیپ که آن روز گردان پیاده کوهستانی رزمی انصارالحسین بود، در جرگه مسوول تبلیغات آن گردان با شهید به شهرستان‌های همدان می‌رفتم و ایشان با سخنرانی به جذب جوانان به عنوان هسته‌های اصلی این گردان اقدام می‌کرد.

■ کدام ویژگی اخلاقی شهید همدانی برای شما بیش از سایر ویژگی‌های ایشان جذابیت داشت؟

همیشه در سلام پیش‌دستی می‌کرد، تقید به نماز اول وقت داشت و با مناجات‌ها و ادعیه‌ای که در منابع اسلامی وارد شده، مانوس بود. بر خورد بسیار جذاب و گیرایی با جوانان داشت که همین برخورد مهربانه مایه جذب آنان می‌شد.

شهید همدانی در دوران دفاع مقدس حضور در میدان و خط مقدم را به زندگی گرم خویش ترجیح داده بود و با وجود اینکه متأهل و دارای فرزندی بود، همه آنها را رها کرده و خود را وقف سپاه اسلام و پیروزی‌های مهم و نضر سپاه اسلام کرد و دستاوردهای فراوانی را در این راه به دست آورد.

در عملیات مرصاد این شخصیت لایق و شایسته و شجاع که چون مولایش امیرالمؤمنین علی(ع) در تهجد و زهد و نماز شب موفق بود، در روز هم از جنگ با کافر و منافقین حذر نداشت و باید او را زاهد شب و شیر روز علیه کفر و نفاق دانست.

ایشان همواره نماز را به جماعت می‌خواند. سعی می‌کرد دیگران را جلو قرار دهد و خودش اقتدا کند. کتب ادعیه همراه داشت، مقید به خواندن تقیبات نماز بعد از فریضه بود. به روضه



سردار شهید همدانی در کنار حجت‌الاسلام رضوی همدانی

این شهید والا مقام حضرت آیت‌الله مکتب اخلاقی حضرت آیت‌الله شهید مدنی بود. بهره‌های معنوی ایشان از شهید مدنی و مرحوم آیت‌الله فاضلیان بسیار فراوان بود. ایشان در دوران مبارزه با طاغوت از جمله افرادی بود که در حلقه یاران آیت‌الله مدنی قرار داشت و او را تعجب توسط افراد به شهید مدنی می‌رسید یا جمله این افراد بود.

بنده ایشان را در منزل شهید مدنی روزگاری که تظاهرات و راهپیمایی علیه طاغوت بود، برای نخستین‌بار دیدم که جمعیت جوانان را هدایت می‌کرد. ایشان مسوول تنظیمات تظاهرات و راهپیمایی بود که افراد، مسیرهای عبور راهپیمایی را دالالت می‌داد. آن روز گفتم که ما یک دانش‌آموز نوجوان بودیم، با یک چهره جوان و در عین حال مومن و انقلابی مثل حاج‌حسین همدانی آشنا شدیم. ایشان یک چهره جذاب و بی‌شاشی داشت که انسان را به خودش جذب می‌کرد.

از زمانی که سپاه شکل گرفت و در یادگان اوپور همدان شهید شهبازی به عنوان فرمانده سپاه بود، شهید همدانی از

این شهید والا مقام حضرت آیت‌الله مکتب اخلاقی حضرت آیت‌الله شهید مدنی بود. بهره‌های معنوی ایشان از شهید مدنی و مرحوم آیت‌الله فاضلیان بسیار فراوان بود. ایشان در دوران مبارزه با طاغوت از جمله افرادی بود که در حلقه یاران آیت‌الله مدنی قرار داشت و او را تعجب توسط افراد به شهید مدنی می‌رسید یا جمله این افراد بود.

بنده ایشان را در منزل شهید مدنی روزگاری که تظاهرات و راهپیمایی علیه طاغوت بود، برای نخستین‌بار دیدم که جمعیت جوانان را هدایت می‌کرد. ایشان مسوول تنظیمات تظاهرات و راهپیمایی بود که افراد، مسیرهای عبور راهپیمایی را دالالت می‌داد. آن روز گفتم که ما یک دانش‌آموز نوجوان بودیم، با یک چهره جوان و در عین حال مومن و انقلابی مثل حاج‌حسین همدانی آشنا شدیم. ایشان یک چهره جذاب و بی‌شاشی داشت که انسان را به خودش جذب می‌کرد.

از زمانی که سپاه شکل گرفت و در یادگان اوپور همدان شهید شهبازی به عنوان فرمانده سپاه بود، شهید همدانی از



## چون جهند از نقص خود رقصی کنند

یک شوقی پیدا کرد. یعنی کلا هوایی شد و گفت من اصلاً نمی‌مانم و به سمت آنجا آمد.

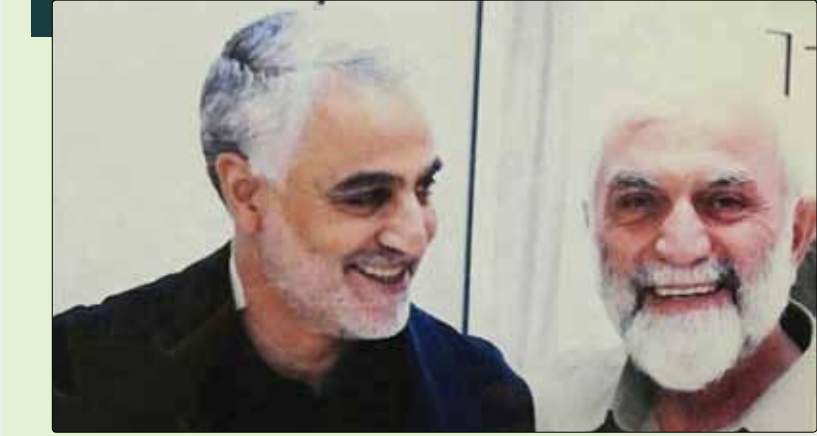
آخرین لحظه‌ای که من شهید همدانی را دیدم، تقریباً چند ساعت قبل از شهادتش بود. یک حالت جوانی‌ای در او دیدم. من در آن لحظه آخر که شهید همدانی را دیدم، یک لحظه تکان خوردم. بعداً فهمیدم که او از شهادتش مطلع بوده است.

اینکه می‌گویم در یک شکل جوانی او را دیدم، چون آن حالت خاص را در او ندیده بودم. آن سکوت خاص را، خیلی پشاش و خندان بود؛ خیلی.

آنجا با خنده به من گفت «بیا با هم یک عکس بگیریم، شاید این آخرین عکس من و تو باشد». او خیلی اهل این

سردار شهید سلیمانی در بخشی از خاطراتش شوق به شهادت شهید حسین همدانی را اینگونه بیان می‌کند: من رفتم خدمت آقا (رهبر معظم انقلاب) برای مجوز کاری که ایشان (شهید حسین همدانی) می‌خواست انجام بدهند. برای این رفتم بدم مجوز بگیرم چون آن وقت ما هنوز مجوز اینکه پاسدار داخل میدان ببریم نداشتیم. ما می‌خواستیم پاسدار ببریم برای اینکه فوعه و کفر یا را بتوانیم آزاد کنیم، لذا امدیم مجوز برای این کار بگیریم.

شهید همدانی هم چون فرمانده قرارگاه سیدالشهدا امام حسین (صلوات‌الله علیه) بود، او هم در این کار متولی شد. او وقتی شنید که پاسدارها می‌آیند و پاسدارها باید بیایند و همه این حرف‌ها، اصلاً- چون خودش سال‌ها اینجا بود-



کارها نبود که به چیزی اصرار کند و بخواهد مثلاً عکسی بگیرد؛ چه خودش، چه با کسی. وقتی این حرف را زد من تکان خوردم. خواستم بگویم شما نروید، چون از همان جایی که او می‌خواست برود، من داشتم بازمی‌گشتم ولی یک حس می‌بود که من گفت چیزی نیست، خبری نیست، لذا چیزی به او نگفتم.

وقتی این حالت را در شهید همدانی دیدم، این شعر در ذهنم آمد:

چون رهند از دست خود دستی ززند  
چون جهند از نقص خود رقصی کنند  
من این دست رقص را، این حالت پرواز را، این حالت اشتیاق را، این حالت عروج را در او دیدم.